



مشورت

مشورت به معنای **شوری**، رایزنی و شور کردن است. مشورت و نظرخواهی از دیگران یکی از عوامل مهم و مسایل حیاتی در تصمیم‌گیری، و ارزنده‌ترین دستورهای **شریعت** جهت سلامت **جامعه** و نبل به اهداف والای انسانی است و **دین اسلام** به مشورت‌کردن در امور فردی و اجتماعی اهمیت زیادی داده است، و برای مشورت‌کننده فواید و آثار زیادی در **روایت** بیان شده، و لذا در **قرآن کریم** و روایت اسلامی سفارش به مشورت‌کردن شده است و البته باید مشورت با افراد با تجربه و صاحب عقل و درایت باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - معنای مشورت
- ۳ - اهمیت
 - ۳.۱ - مشورت پیامبر
- ۴ - فلسفه مشورت
- ۵ - آیت
- ۶ - آثار و فواید مشاوره
 - ۶.۱ - کمک گرفتن از افکار دیگران
 - ۶.۲ - زندگی با ارزش
 - ۶.۳ - پشتیبانی
 - ۶.۴ - شناسایی خطاها
 - ۶.۵ - دستیابی به راهکار مناسب
 - ۶.۶ - پیشگیری از پشیمانی
 - ۶.۷ - مبارزه با تکبر و استبداد نظر
 - ۶.۷.۱ - مذمت استبداد به رای
 - ۶.۸ - رسیدن به مقصود
 - ۶.۹ - کلام وایی
 - ۶.۱۰ - جلوگیری از سرزنش دیگران
 - ۶.۱۱ - دستاوردهای دیگر
- ۷ - رابطه رای و بخت
- ۸ - ویژگی‌های مشاوران
 - ۸.۱ - ویژگی‌های مثبت
 - ۸.۲ - ویژگی‌های منفی
- ۹ - وظیفه مشاور
- ۱۰ - موارد منع مشاوره
 - ۱۰.۱ - اصول دین و احکام
 - ۱۰.۲ - تعیین امام معصوم
 - ۱۰.۳ - شتلیزگی در تصمیم
 - ۱۰.۴ - افراد ممنوع از شور
- ۱۱ - نتایج مشورت
- ۱۲ - موارد مشورت
 - ۱۲.۱ - مشورت با پیران
 - ۱۲.۲ - زمینه‌های مشورتی
- ۱۳ - راه تقویت روحیه مشورتخواهی
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منبع

مقدمه

موضوع مشاوره در **اسلام** از اهمیت خاصی برخوردار است چنانچه **پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** با قطع نظر از **وحی آسمانی** آنچنان فکر نیرومندی داشت که هیچگاه نیاز به مشاوره پیدا نمی‌کرد، ولی برای اینکه از یک سو **مسلمانان** را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی خود قرار دهند و از سوی دیگر نیروی **فکر** و

اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت (نه قانون‌گزاری) جلسه مشاوره تشکیل می‌داد و مخصوصاً برای رای افراد صاحب‌نظر ارزش خاصی قابل بود تا آنجا که گاهی به احترام آن‌ها از رای خود صرف‌نظر می‌کرد، چنان‌که نمونه آن در **جنگ احد** اتفاق افتاد و می‌توان گفت که یکی از عوامل موفقیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در پیشبرد اهداف اسلامی همین بود.

معنای مشورت

مشورت از ماده "شور" است که در **لغت** به معنای برداشتن و استخراج عسل از کندوی زنبور عسل است.

[۱] قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

در تعریف اصطلاحی کلمه "مشاور"، "مشاورت" و "مشورت" به معنای استخراج رای صحیح است، اینکه آمی در مواقعی که خودش درباره کاری رای صحیح ندارد، به دیگران مراجعه و از **عقل** و تجارب آنان استفاده نماید.

[۲] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۴۷۰، تهران، الحوراء، تابستان ۸۱، چاپ چهارم.

[۳] طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۹۲، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.

اهمیت

در متون اسلامی، مشورت از اهمیت بالا و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که در **قرآن کریم** یک سوره تحت عنوان **شوری** وجود دارد و در آیاتی نیز مسأله مشوره مطرح و به انجام آن دستور داده شده است. (مومنان کسانی هستند که دعوت پرورنگارشان را اجابت کردند و نماز را بپا داشتند و امورشان را به مشورت گذاشتند و از آنچه که روزیشان کردیم انفاق می‌کنند.

[۴] شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۸.

(نگرش مکتبی اسلام بر مسأله شورا از چنان ظرافت و عمقی برخوردار است که حتی مسائل بسیار کوچکی همانند از شیر گرفتن کودک را امری مشورتی بین پدر و مادر تلقی می‌کند (هرآنگاه که پدر و مادر با رضایت و مشورت بخواهند کودک را زودتر از شیر بازگیرند گناهی بر آنها نیست.

[۵] بقره/سوره ۲، آیه ۲۳۳.

(و توصیه می‌شود که اگر خواستید فرزند خود را از شیر بگیرید، با یکدیگر مشورت کنید. (بدیهی است توصیه اسلام به مشاوره در مسأله جزئی فوق، اهمیت و ضرورت آنرا در مسائل مهمتر و امور عمومی جامعه اسلامی روشن می‌سازد.)

اهمیت مشاوره در اسلام به‌اندازه‌ای است که **خداوند** به پیامبرش امر می‌کند که مشورت کند: «و شاورهم فی الامر؛

[۶] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۵۹.

با مردم خود مشورت کن و از آنان نظر بخواه»

علیرغم اینکه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) و دیگر معصومین (علیه‌السلام) عقل کل و **معصوم** بودند و از طریق وحی به منبع لایزال علم و قدرت خداوند ارتباط داشتند و از نظر علم و عقل هرگز نیازی به راهنمایی‌ها و ارشاد دیگران نداشتند، اما مأمور شدند تا مشورت کنند، همانطور که مورخین و مفسرین اسلامی یکی از صفات آنان را کثرت مشوره دانسته‌اند. از جمله در مورد پیامبر عالیقدر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) آورده‌اند که: «سیره پیامبر چنین بود که با اصحاب خود زیاد مشورت می‌کرد.»

[۷] سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، تفسیر جلالین، ص ۸۹.

شکی نیست که مشورت **ائمه معصومین (علیهم‌السلام)** به خاطر رفع **جهل** نبوده است، بلکه به این جهت بوده که اولاً، این اصل را پایه‌گذاری کنند (جنبه آموزشی) و مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازند تا آنان شور و مشاوره را جزو برنامه‌های زندگی خود قرار دهند و ثانیاً به همراهان و پیروان خود شخصیت داده تا نیروی فکر و اندیشه آنان پرورش یابد.

[۸] حسینی بیرجندی، سیدمهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۷ - ۲۱، تهران، امیرکبیر.

[۹] تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی در مدیریت اسلامی، ص ۱۹۵ - ۱۹۷، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

[۱۰] ملکی، محمد، شورا در اسلام، ص ۱۹، تهران، نهضت زنان مسلمان.

[۱۱] موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۸ - ۹، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

[۱۲] اسکندری، حسین، آیه‌های زندگی، ج ۱، ص ۲۸۲، تهران، سروش.

بنای **حکومت اسلامی** بر مشورت و دوری از استبداد و خودرایی است و حکمان اسلامی باید از مشورت مشاوران کارآموده و آگاه بهره‌مند باشند، البته پیروی از رای آنان برای **حکم** الزامی نیست و او می‌تواند به تشخیص خود عمل کند.

← مشورت پیامبر

حکومت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در **مدینه** از نخستین حکومت‌های سیاسی مبتنی بر شوری بود و خداوند در قرآن کریم **مسلمانان** آن روزگار را اهل مشورت می‌خواند.

[۱۳] شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۸.

مشورت در اسلام چنان ارجمند است که خداوند به پیامبر معصوم خویش که به منبع دانش غیبی متصل است- فرمان می‌دهد با اصحاب، مشورت کند.

[۱۴] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۵۹.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) هر چند در امور مهم، تصمیم نهایی را خود می‌گرفت، به نظر دیگران نیز در تصمیم‌های خود نقشی می‌داد.

فلسفه مشورت

مشورت، به لحاظ فوائد متنوعی که دارد نمی‌تواند دارای یک فلسفه و حکمت باشد. در اینجا، به پارهای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بهر مندی از اندیشه دیگران: بدون شک مهم‌ترین فلسفه مشورت در اسلام استفاده از نظر دیگران و یافتن راه اصلح است که نسبت به سایر راه‌ها کمترین نقص را داشته باشد، چنان که امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «راه درست و صواب به دست نیاید مگر با مشورت کردن».

[\[۱۵۱\] آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۶۹.](#)

۲. استفاده از تایید و حمایت دیگران.

۳. جلوگیری از سرزنش دیگران.

۴. شناسایی افراد صاحب نظر و مؤمن.

۵. رشد فکری مردم.

۶. احتراز از [استبداد رای](#).

۷. گسترش فرهنگ مشاوره و ایجاد تفاهم.

بنابراین مشاوره همیشه دلیل بر عدم آگاهی شخص نیست بلکه این موارد منکر نیز از هدف‌های مورد نظر در مشاوره بوده و غالباً حصول به همه یا تعدادی از آنها مورد نظر می‌باشد.

[\[۱۶۱\] حسینی بیرجندی، سیدمهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۸.](#)

[\[۱۷۱\] موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۹ - ۱۰.](#)

آیت

در این بخش از مبحث مشورت اشاره‌ای به دو آیه از قرآن کریم می‌پردازیم:

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛

[\[۱۸۱\] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۵۹.](#)

از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند، بنابراین آن‌ها را [عفو کن](#) و برای آنها طلب آموزش نما و در کارها با آن‌ها مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قطع باش و) [بر خدا، توکل کن](#) زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛

[\[۱۹۱\] شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۸.](#)

و آنان که دستورات پروردگار را اجابت و [اطاعت](#) کردند و [نماز](#) به پا داشتند و کارشان را با مشورت یکدیگر انجام دادند و از آنچه روزی‌شان دادیم [انفاق](#) می‌کنند.»

آثار و فواید مشاوره

مشورت که از پشتوانه وحیانی و عقلانی برخوردار است، فواید زیادی دارد. آثار و برکت فراوانی که از مشورت‌کردن نصیب انسان می‌شود، هرگز از تفکر فردی و امکانات و منابع فراوان مادی به دست نمی‌آید. در اینجا به بخشی از آثار و فواید مشورت اشاره می‌نماییم.

← کمک گرفتن از افکار دیگران

مشورت به انسان کمک می‌کند تا افکار و اندیشه‌های دیگران، به ویژه صاحب‌نظران و متخصصان را به یاری طلبد و با قرار دادن افکار و اندیشه‌های آنان در کنار فکر و نظر خود، بر قدرت، وسعت و عمق اندیشه و بینش خود بیفزاید و از درخشش افکار و اندیشه‌های دیگران بهره‌مند شود. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که با خردمندان و عاقلان مشاوره کند به نور عقلا و خردها روشنی یابد.»

[\[۲۰۱\] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۹.](#)

«هر کس با دیگران مشورت نماید، از اندیشه‌های آنان بهره گرفته است.»

[\[۲۱۱\] امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۲، حکمت ۱۶۱.](#)

«لَعِبْدَانِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَ قَدْ أَشَارَ عَلَيْهِ فِي شَيْءٍ لَمْ يوافق رايه، لَكَ أَنْ تَشِيرَ عَلَيَّ وَ أَرِي، فَانْ عَصَيْتَكَ فَطَاعَنِي؛

[\[۲۲۱\] امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۶۶، حکمت ۳۲۱.](#)

به [عبدالله بن عباس](#) که آن حضرت را به چیزی راهنمایی کرد که با نظر ایشان سازگاری نداشت، فرمود: تو حق داری نظرت را به من بگویی و من هم نظر خالص خود را دارم. بنابراین اگر بر خلاف تو عمل کردم از من پیروی کن!»

← زندگی با ارزش

از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که فرمود: «إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ خِيَارَكُمْ وَ أَعْيَابُكُمْ سُمَحَانُكُمْ وَ أَمْرُكُمْ شُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرَ الْأَرْضُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَ إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ شِرَارَكُمْ وَ أَعْيَابُكُمْ بُخْلَانُكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ شُورَى بَيْنَكُمْ فَبِطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا؛

[\[۲۳۱\] این شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۶.](#)

هنگامی که زمامداران شما، نیکان شما باشند و توان‌گران شما سخاوتمندان، و کارهای نیک با مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین، از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته [حیث](#) و زندگی هستید) ولی اگر زمامدارانتان بدان و ثروتمندان افراد [بخیل](#) باشند و در کارها مشورت نکنید در این صورت زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است.»

← پشتیبانی

[امیر المؤمنین \(علیه‌السلام\) در اثناء خطبه می‌فرماید: «وَلَا مَظَاهِرَةَ أَوْتَقُوا مِنَ الْمَشَاوِرَةِ؛](#)

[۲۴] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۳۴، کلمات قصار ۱۱۳.

هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست»
«لا ظهیر کالمشاوره»

[۲۵] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۶، حکمت ۵۴.

هیچ پشتیبانی، چون مشاوره نیست»

← شناسایی خطاها

یکی دیگر از آثار مثبت مشورت این است که مشورت کردن و استفاده از نقطه نظرهای دیگران به انسان کمک می‌کند تا خطاها و اشتباهات را بشناسد. امام علی (علیه السلام) فرمودند:
«من استقبل وجوه الأراء، عرف مواقع الخطا»

[۲۶] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۲، حکمت ۱۷۳.

هر که آرا مختلف را بررسی کند، جاهای خطا را بشناسد»

← دستیابی به راهکار مناسب

مشورت باعث می‌شود تا تصمیم معقول و مناسبی اتخاذ شود و راه درستی انتخاب گردد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هرکس با صاحبان اندیشه و خرد مشورت نماید، به راه درست رهنمون می‌شود»

[۲۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، تهران، المكتبة الاسلامیه.

← پیشگیری از پشیمانی

معمولاً بعد از هر تصمیمی که بدون مشورت اتخاذ شود و جوانب و زوایای مختلف آن به خوبی سنجیده نشده باشد، پشیمانی و ندامت از اینکه چرا این تصمیم بدون سنجش جوانب مختلف مسئله اتخاذ شده، طبیعی است. امیرمومنان حضرت علی (علیه السلام) این نکته را یادآور می‌شود و می‌فرماید: «با افراد عاقل و صاحب خرد مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی ایمن گردی»

[۲۸] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۳.

و نیز فرمودند: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) مرا به **بین** فرستاد، سفارشات لازم را کرد و فرمود: ای علی! کسی که **استخاره** کند سرگردان نخواهد شد و کسی که مشورت کند پشیمان نمی‌شود»

[۲۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده: «مَنْ لَا يَسْتَشِيرُ يَنْدَمُ»

[۳۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰-۱۰۴.

کسی که مشورت نکند پشیمان می‌شود»

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده: در **تورات** چهار جمله آمده: «مَنْ لَا يَسْتَشِيرُ يَنْدَمُ وَ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ وَ مَنْ مَلَكَ اسْتَأْذَنَ»

[۳۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.

کسی که مشورت نکند پشیمان می‌شود، فقر، مرگ بزرگ است، هر چه کنی با تو همان خواهد شد و کسی که مالک شود استبداد می‌ورزد یعنی نوعاً اینها از تبعات این خصلت‌ها است»

← مبارزه با تکبر و استبداد نظر

آنگاه که با **غفلت** از مشورت، خوی استبداد و **تکبر** در جامعه تقویت شود و جامعه از پشتوانه فکری و عملی مشاوران محروم گردد، رکودی مرگبار رخ می‌نماید و جامعه را از پیشرفت و شکوفایی باز می‌دارد. این واقعیت در زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین جاری شده است که فرمود: «ان‌گاه که فرمانروایان شما از بدانتان و ثروتمندان شما از تنگ چشمانتان باشند و مشورت و رایزنی از میانتان رخت برینند، به زمین فرو رفتن شما بهتر از زندگی در آن است»

[۳۲] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۹.

← مذمت استبداد به رای

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «الْمُسْتَبَدُّ بِرَأْيِهِ مَوْفُوفٌ عَلَى مَدَاحِضِ الزُّلْمِ»

[۳۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.

استبداد به رای (انسان را) حبس می‌کند بر (مطالب) **باطل** و **خطا**».

و نیز فرمود: «لَا تَشِيرُ عَلَى الْمُسْتَبَدِّ بِرَأْيِهِ»

[۳۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.

با مستبد به رای مشورت مکن»

و باز فرمود: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ»

[۳۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۴.

کسی که در رای خویش استبداد داشته باشد، هلاک می‌گردد»

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»

[۳۶] جر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۵.

[۳۷] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۲، حکمت ۱۶۱.

کسی که مستند به رای خویش باشد هلاک می‌گردد و کسی که مشورت کند با افراد بزرگ، در عقل‌های آنها شریک شده است.»
«هیچ تنهایی ترسناک‌تر از خودپسندی و خودبینی و هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست.»

[۳۸] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۳۴، حکمت ۱۱۳.

← رسیدن به مقصود

نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «هر که بخواهد کاری کند و درباره آن مشورت کند خدا او را به خردمندانه‌ترین کارها توفیق دهد.»

[۳۹] پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۷۵۹، ج ۲۹۶۲.

«الاستشارة عين الهداية، و قد خاطر من استغنى براهه؛

[۴۰] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۷، حکمت ۲۱۱.

مشورت عین به مقصود راه یافتن است و هر که خودسرانه کار کند دچار خطر شود.»

← کامروایی

مشاوره فرایندی سوئمنند است که می‌تواند زمینه‌چیرگی بر مشکلات و رشد فکری و افزایش تشخیص و تصمیم‌گیری را فراهم کند. بنابراین، کامروایی و پویایی فرد و جامعه در گرو مشورت‌دهی و مشورت‌خواهی است. امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «مشورت‌کننده کامیاب و **رستگار** خواهد شد.»

[۴۱] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۵.

← جلوگیری از سرزنش دیگران

از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نقل شده: «ما عُطِبَ امرءٌ استثنى؛

[۴۲] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰-۱۰۴.

سرزنش نمی‌شود کسی که مشورت کرده است.»

← دستاوردهای دیگر

دستاوردهای دیگر مشورت عبارتند از: پیروی از روش انمه معصومین (علیه‌السلام)، روشن‌بینی و بصیرت، ازدیاد عقل (رشد اندیشه، قدرت تدبیر)، نوعی مشارکت فکری و تشویق به کار جمعی، قدرت تصمیم‌گیری و اقبینانه، **احترام** به افکار و آراء، موجب **اطمینان نفس** و راحتی، پی‌بردن بر قدرت فکری و میزان دلسوزی دیگران (شناسایی افراد شایسته از دیگران)، موجب شکوفایی استعدادها و رشد ذوق‌ها و در نتیجه موجب گشایش راه‌های نوین، افزایش میزان مطلوبیت و درجه مقبولیت (جلوگیری از **بنگمائی** و جلب نظر مردم)، موجب دوری از انتقادهای مغرضانه و انتقادهایی را که بر اشخاص خودمحور و تک‌رو می‌باشد، تضمین تداوم کار در سایه مشورت، موجب افزایش آگاهی‌ها و معلومت دیگران.

[۴۳] تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی در مدیریت اسلامی، ص ۱۹۷ - ۱۹۹.

[۴۴] موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۱۰.

[۴۵] آقا پیروز، علی و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۶۷ - ۷۰، قم، پژوهشگاه و حوزه و دانشگاه، زمستان ۸۵، چاپ چهارم.

[۴۶] نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، قم، موسسه ولی عصر (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف)، زمستان ۸۵، چاپ دوم.

[۴۷] حسینی شیرازی، سید محمد، شورا در اسلام، ص ۹، قم، آل الرسول (علیه‌السلام)، ۱۴۲۰ ه ق، چاپ ششم.

رابطه رای و بخت

«صواب الراي بالدول: يقبل باقبالها، و يذهب بذهابها؛

[۴۸] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۶۸، حکمت ۳۳۹.

درستی به رای بسته به دولت بخت است. اگر دولت رو کند درستی رای نیز رو می‌کند و اگر آن پشت کند این نیز می‌رود.»

ویژگی‌های مشاوران

مسلم است که هر کس نمی‌تواند طرف مشورت قرار گیرد، زیرا گاه بعضی از اشخاص نقاط ضعفی دارند که مشورت با آنها مایه بدبختی و عقباتانگی است و از این جهت در روایت خاندان عصمت و طهارت صفاتی را برای مستشار ذکر نموده‌اند.

← ویژگی‌های مثبت

ویژگی‌های بسیاری در آموزه‌های اسلامی برای مشاوران آمده است. در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ایمن:

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «مومن مایه سود است اگر همراهش شوی سودت دهد و اگر با وی مشورت کنی سودت دهد و اگر شریکش شوی سودت دهد و همه کار وی مایه سود است»

[۴۹] **پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه، ص ۷۸۱، ج ۳۰۹۸.**

۲. تقوا:

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «در کار هایت با پرهیزکاران مشورت کن تا راهنمایی شوی.»

[۵۰] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۷.**

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده: «استشیر فی امرک الذین یتحشون ربهم؛

[۵۱] **جر علملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶.**

مشورت کنید در پیش آمدها (از) کسانی که می‌ترسند از پروردگارشان.»

۳. خردمندی:

امیرالمومنین (علیه‌السلام) فرمودند: «هر کس با صاحبان خرد مشورت نماید، به راه راست و درست رهنمون می‌شود.»

[۵۲] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۸.**

«کسی که با شخص عاقل و دانا مشاوره کند بر کار خود مالک و مسلط شود.»

[۵۳] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۹.**

۴. تجربه و آزمودگی:

حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «بیرترین کسی که با وی مشورت می‌کنی، کسی است که دارای تجربه‌های فراوان باشد.»

[۵۴] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۶.**

۵. علم و تخصص (آگاهی و صلاحیت):

امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) فرمودند: «با کسی که نادان در کار تو است مشورت نکن.»

[۵۵] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۴۵.**

۶. رازداری:

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «با دشمن خویش مشورت نکن و راز خود را از او پوشیده دار.»

[۵۶] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۴۵.**

۷. **نصح** (خبرخواهی) ۸. آینه‌نگر (دوراندیشی) ۹. **حلم** امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «با کسانی که دارای پنج خصلت باشند مشورت کن. آنان که دارای عقل، حلم، تجربه،

خبرخواهی و تقوا هستند.»

[۵۷] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۳.**

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده: مشورت تحقق نمی‌گیرد مگر با شرائطش و اگر کسی آن شرائط را نداند در مشورت ضرر می‌کند، پس اولین آنها عبارت است از اینکه مستشار عاقل باشد و دومین شرط این است که آزادمرد و متدین باشد و شرط سوم عبارت است از اینکه مستشار دوست حقیقی باشد و شرط چهارم عبارت است از اینکه بتوانی او را آگاه کنی از امور پنهانی خود و علم آن نسبت به موضوع مانند علم خودت باشد که به افراد دیگر نرسد.

[۵۸] **جر علملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶.**

← ویژگی‌های منفی

منظور از ویژگی‌های منفی، خصوصیتی است که مشاوران می‌بایست فاقد آن باشند. این خصوصیت عبارتند از:

۱. **بخل:**

امیرالمومنین (علیه‌السلام) فرمودند: «افراد بخیل را در مشورت خود دخالت مده؛ زیرا که تو را از **احسان** منصرف می‌کند و از تهی‌دستی و فقر می‌ترساند.»

[۵۹] **امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.**

۲. **جبن** (ترس):

حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «با افراد ترسو مشورت مکن، زیرا در کارها روحیه‌ت را تضعیف می‌کند.»

[۶۰] **امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.**

۳. **حرص:**

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «حرص را به مشورت مگیر که حرص را با ستمگری در نظرت زینت می‌دهد.»

[۶۱] **امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.**

۴. **دروغ:**

امیرالمومنان علی (علیه‌السلام) فرمودند: «با فرد دروغگو مشورت نکن، زیرا او مانند سراب است که دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.»

[۶۲] **تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۵۶.**

از ویژگی‌های دیگر منفی و سلبی مشاوران می‌توان به: جهل، حماقت، فرومایگی، خودرایی، وغد (سست خردی)، تلون (نفاق و چند رنگی)، **لجاجت**، عاطفه محض اشاره نمود.

[۶۳] **کتابچی، محسن، مدیریت موفق، ص ۱۶۴ - ۱۷۱، تهران، نشر الف.**

[۶۴] **تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی در مدیریت اسلامی، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.**

[۶۵] **علی آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۷۰ - ۷۳.**

[۴۶] ر. ک: حقانی زنجانی، حسین، صفات و ویژگیهای مشاور در اسلام، ص ۴۸ - ۵۳، ماهنامه در سهایی از مکتب اسلام.
[۴۷] حقانی زنجانی، حسین، صفات و ویژگیهای مشاور در اسلام (۲)، ص ۲۳ - ۲۹، ماهنامه در سهایی از مکتب اسلام.
[۴۸] جاسبی، عبدالله، شوری و مشاوره در اسلام، ص ۳۱ - ۵۴، دو فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران).

وظیفه مشاور

همان طوری که در اسلام، درباره مشورت کردن دستور مؤکد داده شده، به افرادی که مورد مشورت قرار می‌گیرند نیز تاکید شده که از هیچ‌گونه خیرخواهی‌ای فروگذار نکنند و **خیانت** در مشورت یکی از **گناهان بزرگ** محسوب می‌شود، حتی این **حکم** درباره غیر مسلمانان نیز ثابت است، یعنی اگر **انسان**، پیشنهاد مشورت را از غیر مسلمانی بپذیرد، حق ندارد در مشورت نسبت به او خیانت کند و غیر از آنچه تشخیص می‌دهد به او اظهار نماید.

در **رساله حقوق** که از **امام سجاد (علیه‌السلام)** نقل شده چنین آمده: «وَحَقُّ الْمُسْتَشِيرِ أَنْ عُلِّمَتْ لَهُ رَأْيَا أَشْرَبَتْ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ تَعْلَمْ أَزْشَدَّتْهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ وَ حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَنْهَهُهُ فِيمَا لَا يُؤَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ فَإِنَّ وَافَقَكَ حَمَلَتْ اللَّهُ؛

[۴۹] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۹۳، به نقل از تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۵.

[۷۰] حویزی، عبدطی، بن جمعه، نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۵.

حق کسی که از تو طلب مشورت می‌کند این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر درباره آن کار چیزی نمی‌دانی او را به کسی راهنمایی کنی که می‌داند و اما حق کسی که مشاور تو است، این است که در آنچه که با تو موافق نیست، او را متهم نسازی پس اگر با تو موافق بود، شکر خدای گویی.»
و از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نقل شده: «مَنْ غَشَّ الْمُسْلِمِينَ فِي مَشُورَةٍ فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ؛

[۷۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۹.

کسی که در مشورت به مسلمانان خیانت کند پس به حقیقت من از او بیزارم»

و نیز از **امام صادق (علیه‌السلام)** نقل شده: «مَنْ اسْتَشَارَ أَخَاهُ فَلَمْ يَنْصَحْهُ مَخْضُ الرَّأْيِ سَلَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَأْيَهُ؛

[۷۲] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۷.

کسی که مشورت کند با برادر خویش و او **خیر** و حقیقت را به او نگوید، **خداوند** رای و درک او را می‌گیرد.»

موارد منع مشاوره

مشورت در جایی که خداوند تکلیف چیزی را روشن کرده و انسان را موظف ساخته است به آن عمل کند، روا نیست.

← اصول دین و احکام

مشورت در **اصول دین** و **احکام** و حدود شرعی راه ندارد. دانشمندان اسلامی عموماً معتقدند که در نحوه اجرای کارها و نیز تشخیص موضوع احکام می‌توان مشورت کرد، اما مشورت در اصول و احکام را مساوی با لغو دین و تشریح می‌دانند.

[۷۳] ر. ک: بقرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۹ - ۹۰.

[۷۴] طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۸۷.

هیچ شکلی نیست که مشورت و شورا در احکام ثابت دین که بستگی به شرائط و مقتضیات زمان ندارد و به عبارت دیگر با ابعاد فطری انسان (که ثابت است) تطابق کامل دارد، غیر معقول است.

خداوند بنا بر مصالحی تصمیم‌گیری در برخی امور را برای خود محفوظ داشته و اختیاری به انسان نداده است. در چنین اموری انسان قادر نیست با مشورت به مصلحت خویش و جامعه انسانی راه بیابد.

بنابراین بنظر می‌رسد که درباره حکم هر مسئله‌ای که به‌طور مشخصی از **شرع** نرسیده باشد، شورا و مشورت، امکان‌پذیر است.

[۷۵] موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۱۰ - ۱۱.

در این رابطه مضمون حدیث زیر قابل توجه است: **علی (علیه‌السلام)** می‌فرماید: عرض کردم ای پیامبر خدا! اگر با مسئله‌ای روبرو شدم که درباره آن نه از طرف خداوند حکمی نازل شده بود و نه در **سنت** وجود داشت چه وظیفه‌ای داریم و چه دستوری می‌فرماید؟

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرمودند: شورایی مرکب از اهل فقه و افراد با ایمان عابد تشکیل می‌دهید و به یک نظر خاص اکتفا نمی‌کنید (بلکه نظر همه آنها را بخواهید).

[۷۶] متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۵، ص ۸۱۲، خ ۱۴۴۵۶، بیروت، مؤسسة الرسالة.

← تعیین امام معصوم

مثلاً تعیین شخص **امام معصوم (امامت)** از گذر مشورت روا نیست. این کار بر عهده خداوند است، زیرا امام باید دارای شرایطی مانند **عصمت** باشد و باز شناختن کسی که از این خصیصه برخوردار است، در توان انسان نیست. از این‌رو، مشورت برای تعیین امام کاری بی‌فایده است.

← شتابزدگی در تصمیم

«لا تستعصموا الراي فيما لا يدرك قعره البصر، و لا تتغلغل اليه الفكر؛

[۷۷] **امام علی (علیه‌السلام)**، نهج البلاغه، ص ۶۹، خطبه ۸۷.

در مسائل و موضوعاتی که بینش به ژرفایشان راه نمی‌برد و **اندیشه** به آن‌ها دسترسی ندارد، رای خود را به کار نگیرید.»

← افراد ممنوع از شور

از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: (با سه طایفه مشورت نکن) «وَلَا تُخْلَنَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بِخِيَلٍ يَخْلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعْكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا يَضْعُفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ»؛

[۷۸] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۲، فر مان امام به مالک اشتر.

با افراد بخیل مشورت نکن زیرا ترا از بخشش و کمک به دیگران باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند (و نیز) با افراد ترسو مشورت نکن زیرا آنها ترا از انجام کارهای مهم باز می‌دارند (و همچنین) با افراد حریص مشورت نکن که آنها برای جمع‌آوری ثروت و یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو جلو مگر می‌سازند.»

[۷۹] مجلسی، مجید باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

خودداری کن از مشورت با زنان، مگر آنان که رشد عقلی و فکری‌شان به تجربه ثابت شده باشد.»

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده: «لَا تُشِيرُ عَلَي الْمُسْتَبِدِّ بِرَأْيِهِ»؛

[۸۰] مجلسی، مجید باقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.

مشورت نکن با کسی که استبداد رای دارد.»

دور باد رای کج‌اندیش! «عزب رای امری تخلف عنی، ما شککت فی الحق مذ اریته»؛

[۸۱] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۱، خطبه ۴.

دور باد رای کسی که با من مخالفت کند، من از زمانی که حق به من نمایانده شد در آن تردید نکرده‌ام.»

بخیل را در مشورت داخل مگردان! «من کتابه للاشتر لما وراه مصر: لا تتخلن فی مشورتک بخیل یعزل بک عن الفضل و یعکب الفقر، و لا جباناً یضعفک عن الامور، و لا حریصاً یزین لک الشره بالجور»؛

[۸۲] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.

در فرمان حکومت مصر به مالک اشتر می‌نویسد: در مشورت خود بخیل را داخل مگردان، زیرا او تو را از نیکی و بخشش کردن باز می‌دارد و از تنگدستی می‌ترساند، و نه ترسو را، چه او تو را در اقدام به کارها سست می‌کند و نه از مندر را، چون از مندر ستمگری را در نظرت زیبا جلوه می‌دهد.»

تلیح مشورت

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند به عکس، افرادی که گرفتار استبداد رای هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند، هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند، باز هم غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردآگین می‌شوند، از این گذشته استبداد رای، شخصیت را در توده مردم می‌کشد و افکار را متوقف می‌سازد و استعدادهای آماده را نابود می‌کند و به این ترتیب بزرگترین سرمایه‌های انسانی یک ملت از دست می‌رود.

به علاوه کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد، زیرا دیگران، پیروزی وی را از آن خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کارهایی که خویش انجام داده، حسد نمی‌رزد و اگر احیاناً با شکست مواجه گردد، زبان اعتراض و ملامت و شماتت بر او بسته است، زیرا کسی به نتیجه‌ی کار خویش اعتراض نمی‌کند، و نه تنها اعتراض نخواهد کرد بلکه دلسوزی و غمخواری نیز می‌کند.

یکی دیگر از فوائد مشورت این است که انسان ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آنها را با خود درک خواهد کرد و این شناسایی راه را برای پیروزی او هموار می‌کند و شاید مشورت‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با آن قدرت فکری فوق‌العاده که در حضرتش وجود داشت به خاطر مجموع این جهات بوده است و در این روایت نیز به این مطلب اشاره شده است.

موارد مشورت

شوری و مشورت تنها در اموری روا است که سودی برساند و کارگشایی بکند و نص و فرمان صریحی از خداوند یا بندگان معصومش در دست نباشد.

← مشورت با پیران

بند پیر از رای جوان بهتر است: «رای الشیخ احب الی من جلد الغلام، و روی من مشهد الغلام»؛

[۸۳] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۹، حکمت ۸۶.

رای پیران را از دلوری جوانان (و به روایتی از اجتماع جوانان) بیشتر دوست دارم.»

← زمینه‌های مشورتی

زمینه‌ها و امور مشورتی عبارتند از: (۱) تحصیلی (۲) اخلاقی (۳) اعتقادی (۴) خانوادگی (۵) حقوقی (۶) پزشکی (۷) اقتصادی (۸) روان‌شناسی (۹) سیاسی (۱۰) شغلی.

[۸۴] نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ص ۱۶۸.

راه تقویت روحیه مشورتخواهی

تحقق و تقویت این اصل از راه‌های گوناگونی امکان‌پذیر است از جمله: دوری از خودمحوری، دقت در فوائد مشورت، دقت در آیت و روایت این باب، تجربه نمودن در بعضی امور زندگی، مبارزه با تکبر و موانع دیگر برای مشورتخواهی، به یادآوردن شکست‌های گذشته، دقت در عوامل موفقیت خود و دیگران.

[۸۵] نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ص ۱۶۷.

۱. [↑ قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۸، تهران، دار الکتب الاسلامیه.](#)
۲. [↑ رغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۴۷۰، تهران، الحوراء، تابستان ۸۱، چاپ چهارم.](#)
۳. [↑ طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۹۲، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.](#)
۴. [↑ شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۸.](#)
۵. [↑ یقره/سوره ۲، آیه ۲۳۳.](#)
۶. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۵۹.](#)
۷. [↑ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تفسیر جلالین، ص ۸۹.](#)
۸. [↑ حسینی بیرجندی، سیدمهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۷ - ۲۱، تهران، امیرکبیر.](#)
۹. [↑ تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی در مدیریت اسلامی، ص ۱۹۵ - ۱۹۷، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.](#)
۱۰. [↑ ملکی، محمد، شورا در اسلام، ص ۱۹، تهران، نهضت زنان مسلمان.](#)
۱۱. [↑ موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۸ - ۹، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.](#)
۱۲. [↑ اسکندری، حسین، آیه‌های زندگی، ج ۱، ص ۲۸۲، تهران، سروش.](#)
۱۳. [↑ شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۸.](#)
۱۴. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۵۹.](#)
۱۵. [↑ آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۶۹.](#)
۱۶. [↑ حسینی بیرجندی، سیدمهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۲۸.](#)
۱۷. [↑ موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۹ - ۱۰.](#)
۱۸. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۵۹.](#)
۱۹. [↑ شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۸.](#)
۲۰. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۹.](#)
۲۱. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۲، حکمت ۱۶۱.](#)
۲۲. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۶۶، حکمت ۳۲۱.](#)
۲۳. [↑ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۶.](#)
۲۴. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۳۴، کلمات قصار ۱۱۳.](#)
۲۵. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۲۶، حکمت ۵۴.](#)
۲۶. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۲، حکمت ۱۷۳.](#)
۲۷. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، تهران، المکتبه الاسلامیه.](#)
۲۸. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۳.](#)
۲۹. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.](#)
۳۰. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰-۱۰۴.](#)
۳۱. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.](#)
۳۲. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۹.](#)
۳۳. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.](#)
۳۴. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.](#)
۳۵. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۴.](#)
۳۶. [↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۵.](#)
۳۷. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۲، حکمت ۱۶۱.](#)
۳۸. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۳۴، حکمت ۱۱۳.](#)
۳۹. [↑ پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۷۵۹، ح ۲۹۶۲.](#)
۴۰. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۷، حکمت ۲۱۱.](#)
۴۱. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۵.](#)
۴۲. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰-۱۰۴.](#)
۴۳. [↑ تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی در مدیریت اسلامی، ص ۱۹۷ - ۱۹۹.](#)
۴۴. [↑ موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۱۰.](#)
۴۵. [↑ آقا پیروز، علی و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۶۷ - ۷۰، قم، پژوهشگاه و حوزه و دانشگاه، زمستان ۸۵، چاپ چهارم.](#)
۴۶. [↑ نبیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، قم، موسسه ولی عصر \(عجل‌الله‌فرجه‌الشریف\)، زمستان ۸۵، چاپ دوم.](#)
۴۷. [↑ حسینی شیرازی، سید محمد، شورا در اسلام، ص ۹، قم، آل الرسول \(علیه‌السلام\)، ۱۴۲۰ هـ ق، چاپ ششم.](#)
۴۸. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۶۸، حکمت ۳۳۹.](#)
۴۹. [↑ پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۷۸۱، ح ۳۰۹۸.](#)
۵۰. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۷.](#)
۵۱. [↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶.](#)
۵۲. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۸.](#)
۵۳. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۹.](#)
۵۴. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۶.](#)
۵۵. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۴۵.](#)
۵۶. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۴۵.](#)

۵۷. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۳.](#)
۵۸. [↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶.](#)
۵۹. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.](#)
۶۰. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.](#)
۶۱. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.](#)
۶۲. [↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۵۶.](#)
۶۳. [↑ کتابچی، محسن، مدیریت موفق، ص ۱۶۴ - ۱۷۱، تهران، نشر الف.](#)
۶۴. [↑ تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی در مدیریت اسلامی، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.](#)
۶۵. [↑ علی آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۷۰ - ۷۳.](#)
۶۶. [↑ ر. ک. حقانی زنجانی، حسین، صفت و ویژگیهای مشاور در اسلام، ص ۴۸ - ۵۳، ماهنامه در سهایی از مکتب اسلام.](#)
۶۷. [↑ حقانی زنجانی، حسین، صفت و ویژگیهای مشاور در اسلام \(۲\)، ص ۲۳ - ۲۹، ماهنامه در سهایی از مکتب اسلام.](#)
۶۸. [↑ جاسبی، عبدالله، شوری و مشاوره در اسلام، ص ۳۱ - ۵۴، دو فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی \(دانشگاه تهران\).](#)
۶۹. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۹۳، به نقل از تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۵.](#)
۷۰. [↑ حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۵.](#)
۷۱. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۹.](#)
۷۲. [↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۷.](#)
۷۳. [↑ ر. ک. قزقی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۹ - ۹۰.](#)
۷۴. [↑ طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۸۷.](#)
۷۵. [↑ موسائی، میثم، شوری و مشورت در قرآن و حدیث، ص ۱۰ - ۱۱.](#)
۷۶. [↑ متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۵، ص ۸۱۲، خ ۱۴۴۵۶، بیروت، موسسه الرساله.](#)
۷۷. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۶۹، خطبه ۸۷.](#)
۷۸. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۲، فرمان امام به مالک اشتر.](#)
۷۹. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.](#)
۸۰. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.](#)
۸۱. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۱، خطبه ۴.](#)
۸۲. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۹۲، نامه ۵۳.](#)
۸۳. [↑ امام علی \(علیه السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۲۹، حکمت ۸۶.](#)
۸۴. [↑ نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ص ۱۶۸.](#)
۸۵. [↑ نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ص ۱۶۷.](#)

منبع

- [سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «مشاوره در اسلام»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۶/۰۳/۰۲.](#)
- [سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «مشورت»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۶/۰۳/۰۲.](#)
- [سایت بزرگ و هه، برگرفته از مقاله «مشورت»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۸/۰۴/۲۵.](#)
- [جمعی از نویسندگان، فرهنگ شیعه، ص ۳۱۴.](#)